

هشدار

هممیهنان،

یکی از ترفندهایی که سردمداران جمهوری اسلامی در پی تکیه‌زدن بر کرسی فرمانروایی واپس‌گرایانه پیوسته به کار گرفته‌اند دادن ظاهر قانونی به نهادهای گردانندگی کشور از راه انجام انتخابات نمایشی بوده است. جریان انتخابات در کشورهای به‌مردم‌سالاری‌رسیده پرهیجان‌ترین صحنه‌ی برخورد اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و نیز انتقاد آزادانه از درماندگی‌ها و شکست‌های کاربه‌دستان است که اصلی‌ترین جلوه‌ی آن در بازشناسی نارسایی‌های سامان و قانون‌های حاکم می‌باشد. در ایران بپاخاسته، که به دنبال درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب لطمه به حیثیت ذاتی بشر به اوج رسید، دگراندیشی در حصار کوتاه‌بینی‌های بیمارگونه افتاد، عرصه‌ی گفتار و نوشتار و گردهمایی به‌سختی تنگ گردید، امتیازهای قانونی حزب‌ها و نشریه‌های پیشینه‌دار و نوپا سلب شد و دادگری به‌کلی از میان رفت و به‌راستی کشور در زیر سیطره‌ی جوی اختناق‌آمیز قرار گرفت، در هر مورد، انجام انتخابات خیمه‌شهبازی چندش‌آوری بود و مردم را به تلخی آزد و از تکاپو برای رقم زدن سرنوشت خویش بازداشت. با این همه نابسامانی‌های فزاینده در روند زندگی ملی، که کشور را از لحاظ اقتصادی با ورشکستگی، از لحاظ سیاست خارجی، با بن‌بست روبه‌رو کرده و فقر سیاه تباهی‌های اجتماعی را به اوج رسانیده است، در پی خیزش‌های خودجوش، با ساز شدن نغمه‌ی انتخابات از سوی دست‌اندرکاران، مردم از پشت‌خنجرخورده بر ناامیدی چیره شدند و پای در میدان کارآوری‌های آرمان‌خواهانه گذارند تا انتخابات را به بازار میان سره و ناسره بدل کنند. چنین بود که، در درون و بیرون کشور، برای فراهم داشتن زمینه‌ی انتخابات آزاد، به گونه‌ی فردی و جمعی، تلاش‌های پراکنده‌ای آغاز شد و بسیاری از سازمان‌های سیاسی با شورمندی تازه‌ای به صحنه آمدند. حزب ملت ایران، که در زندگی پرفرازونشیب خود همواره در پی برآوردن نیازهای اجتماعی بوده است، در یکم آبان‌ماه خواستار زنده‌داشت همبستگی همگانی در راستای پدید آوردن فضای سیاسی باز و ایمنی قضائی و جلوگیری از برگزاری انتخابات نمایشی گردید و، ضمن شرح وضع نابهنجار میهن، بار دیگر، پیش‌شرط‌های ضروری انجام هر گزینش ملی را برشمرد؛ اما برکرسی‌قدرت‌نشستگان نیز، که پایه‌های زمامداری خود را در حال فرو ریختن می‌دیدند، شیوه‌های نویی پیش کشیدند و، از یک سو، برای وحشت‌افزایی، جای‌جای ایران را به اشغال نیروهای سرکوبگر در آوردند و گروه‌های فشار را روانه‌ی کوی و برزن کردند و، از سوی دیگر، در حالی که داعیه‌ی ارج‌گذاری به قانون سر می‌دادند، از برپایی هر گردهمایی و راهپیمایی جلوگیری نمودند و، با گسترش سانسور و لغو امتیاز نشریه‌ها و رد درخواست‌های برگزاری کنفرانس مطبوعاتی و پیش کشیدن کیف‌های سنگین برای بزه‌های کوچک و دنباله دادن به کار دادگاه‌های فرمایشی و افزودن بر شمار زندانیان و حتی تیرباران برخی از ناسازواران، بیش از پیش، کشور را به ورطه‌ی خفقان فروافکندند.

بدین گونه، دیگر هیچ تردیدی نمانده است که نمایش انتخابات پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی دنباله‌ی همان شعبده‌بازی‌های همیشگی است و خوش‌بختانه همه‌ی سازمان‌های ستیزنده با سلطه‌گری جمهوری اسلامی کناره‌جویی خود را از آن آشکار کردند.

در این گیرودار، خوشه‌چینان انقلاب، که پافشارانه به پایگاه‌های قدرت چسبیده‌اند، با نگرانی درصدد برآمدند بازار از رونق افتاده‌ی انتخابات نمایشی را با صحنه‌آرایی‌های دیگری گرم کنند؛ و نخست دم از حزب‌سازی‌های گوناگون زدند و سپس بیانیه‌ای با امضای شانزده تن از کارگزاران دولت، انباشته از چاپلوسی و بت‌تراشی، نشر دادند که جنجال‌آفرینی بخشی از اشغال‌کنندگان کرسی‌های نمایندگی مردم را در پی آورد؛ ولی همگان آن را جز «جنگ زرگری» سبب‌سازان بحران سهمگین کنونی کشور با یکدیگر تلقی نکردند و سرانجام، با پادرمیانی بزرگ‌ترها، در واپسین دکان هم بسته شد.

اینک، در آستانه‌ی روی صحنه آوردن نخستین پرده‌ی نمایش انتخابات، یعنی نامزد شدن برای نمایندگی، دیگر جایی برای سردرگمی و خوش‌باوری باقی نمانده و وظیفه‌ی ملّی ایجاب می‌کند که گوشزد گردد تنها دسیسه‌ای زشت برای جابه‌جایی چهره‌های سرسپرده در کار می‌باشد و هر کس با هر پیشینه‌ی سیاسی در آن سهم گیرد از اردوی خواستاران مردم‌سالاری گسسته و به صف تزئین‌کنندگان بساط یکه‌تازی پیوسته است.

برچیده باد بساط یکه‌تازی، برقرار باد مردم‌سالاری.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران